

ثبات و استقامت با معاندان و مغرضان و معارضان اعتقادی

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلي فارسی



لوح رقم (26) امر و خلق - جلد 3

۲۶ - ثبات و استقامت با معاندان و مغرضان و معارضان اعتقادی

قوله الابهی : ان یا هادی ان اسمع نداء الله من سدره البهاء انه لا اله الا انا المهيمن العزيز المختار اوصیک یا اسمی بما وصی الله فی الزبر و الالواح ان استقم علی حبّ مولاک علی شأن لو تسمع عمّن علی الارض کلّها ما یكون مخالفاً لامر ربک تكون معرضاً عنه و مقبلاً الی الله منزل الآیات انّ السفیه قد اخذه الغرور علی شأن یتکلم جهرهً بما یلعنه الاشیاء کلها تالله به حزن قلبی و قلوب الذین اقبلوا الی الوجه فی هذه الايام الّتی فیها زلت الاقدام لا تُدارِ معه فأعرض عنه بسطانٍ من لدن ربک العزیز الجبار کن ناراً لاعداء الله و نوراً الاحبائى كذلك فصلّ فی الکتاب فصل الخطاب فامش علی اثر ربک ولا تحف من الذین یتکلمون باهوائهم الا انهم من الذباب ان احرق بنار الکلمة کبد کلّ مشرکٍ مرتابٍ کُن مستقیماً علی شأن لا یحزنک قول الذین هم اعرضوا عن الله ربّ الارباب لا تحزن انک معی فی سرادق عظمتی ان اکف بالله ثم انقطع عن کلّ مشرکٍ مکارٍ و لا تکن معیناً لمن انکر الوجه ولو ینظر كذلك نزلنا الامر من لدن ربک العزیز الوهاب اعانت اهل طغیان بهیج وجه جائز نه چه که ضرر بر اصل شجر وارد میشود در جمیع کتب این حکم نازل در فرقان میفرماید لا ترکوا الی الذین ظلّموا انشاء الله باید بکمال قدرت به نصرت حق مشغول باشید منقطعاً عن کل ذی غلّ مبین .



ORIGINAL

و در لوح خطاب به اشرف قوله الابغ الاحلی : انتم یا احباء الله كونوا سبب الفضل لمن آمن بالله و آیاته و عذابه المحتوم لمن كفر بالله و امره و كان من المشركين .

و در لوح خطاب به نصیر قوله الابغ الامنع : ان یا نصیر تجنب عن مثل هؤلاء ثم فر عنهم الى ظل عصمة ربك و كن في حفظ عظیم ثم اعلم بان نفس الذي يخرج من هؤلاء انه يؤثر كما يؤثر نفس الثعبان ان انت من العارفين كذلك الهمناك و علمناك بما هو المستور عنك لتطلع بمراد الله و تكون على بصيرة منه طهر يدك عن التثبث الى غير الله و الاشارة الى دونه .

و در لوح خطاب به احمد قوله الاعلی : ای اشجار رضوان قدس عنایت من خود را از سموم انفس خبیثه و اریاح عقیمه که معاشرت مشرکین و غافلین است حفظ نمائید .

و قوله الارفع الاسنی : و کن كشعة النار لاعدائی و كوثر البقاء لاجبائی و لا تكن من الممترین .

و قوله الاعلی : یا احبائی ثم یا اصفیائی . . . ان وجدتم من احد رواح الاعراض فأعرضوا عنه ثم اجتنبوا .

و در اثری بعنوان (خ آدم) است : اگر نفوس غافله از کلمات نصیحه متنبه شدند فنعلم المراد و الا احتراز از چنین نفوس لازم و واجب در این ظهور ابداً اعمال شنیعه و شئونات نفسیه مقبول نبوده و نخواهد بود البته شنیده اید که بعضی از اهل بیان و رؤسای کاذبه ایشان چه مقدار در بحر هوی مستغرق بودند و باعمال شنیعه متمسک و عامل و لکن درین ظهور اعظم ابداً مدارا نشده کل را تصریحاً نهی فرموده طوبی لمن عمل بما امر من لدی الحق و اجتنب عن الخلق فیما هم یعملون .

و قوله : بر جمیع احباء الله لازم که از هر نفسی که رائحة بغضاء از جمال عز ابهی ادراک نمایند ازواحتراز جویند اگر چه بکل آیات ناطق باشد و به کل کتب تمسک جوید . . . پس در کمال حفظ خود را حفظ نمائید که مبدا بدام تزویر و حيله گرفتار آئید .

و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز : هو الله ای بنده حق راستی و دوستی و صلح و آشتی با جمیع عالمیان از مقتضای حق پرستی است درین دور ابهی الحمد لله ضدیت و قساوت و عداوت و مخالفت و عصبیت جاهلیت و معاندت دینیه و معارضات مذهبیه و جور و جفا بکلی مرتفع گشته باید با جمیع عالمیان بنهایت روح و ریحان معامله نمود مگر منافقان از منافق احتراز و اجتناب لازم زیرا سبب نمودت و جمودت و کسالت و غفلت و برودت گردند نفسشان مثل سرمای زمهریر است هر چند انسان در نهایت صحت و تندرستی باشد از برد شدید کسالت و ارتعاش و زکام حاصل گردد این است که نفوس طیبیه از روایح کریمه مشمئز گردند لهذا در آیات الهیه الفت با کافة ملل و همچنین احتراز از اهل نفاق و خلل نازل گشته و علت التحیة و الثناء . ع ع

و قوله العزيز: هو الله ای احبای الهی اساس ملکوت الهی بر عدل و انصاف و مروت و مهربانی بهر نفسی است پس بجان و دل باید بکوشید تا به عالم انسانی من دون استثناء محبت و مهربانی نمائید مگر نفسی که غرض و مرضی دارند با شخص ظالم و یا خائن و یا سارق نمیشود مهربانی نمود زیرا مهربانی سبب طغیان او میگردد و نه انتباه او کاذب را آنچه ملاطفت کنی بر دروغ می افزاید گمان میکند نمیدانی و حال آنکه میدانی ولی رأفت کبری مانع از اظهار است . . . مگر حیوانات مودیه را مثل گرگ خونخوار و مثل مار گزنده و سائر حیوانات مودیه چه که رحم باینها ظلم به انسان و حیوانات دیگر است مثلاً اگر گرگی را رأفت و مهربانی نمائی این ظلم به گوسفند است یک گله گوسفند را از میان بردارد و لهذا باید چاره آن نمود .

و قوله العزيز: عبدالبهاء بی نهایت مهربان است ولی مرض مرض جذام است چه کند . . . باید نفوس مبار که را از روایح کریمه و امراض مهلکه روحانی محافظت و صیانت کرد و الا نقض نظیر مرض طاعون سرایت میکند و کل هلاک میشوند و در بدایت صعود مبارک مرکز نقض تنها بود کم کم سرایت کرد و این بسبب الفت و معاشرت واقع گردید .

و قوله العزيز: اگر چنانچه بین دوستان معاذ الله اختلافی جزئی و کلی در امری حاصل شود کل باید بکلی سکوت نمایند و یا محبت کنند و سؤال نمایند تا جواب ارسال گردد باری هر نفسی سبب اختلاف بین دوستان شود باید ازو احتراز نمایند و اجتناب کنند .

و قوله الجلیل: و هریک از یاران چون باهل غرور مأنوس گردد باید بنهایت مهربانی و سرور سبب تنبه او شود و علت تذکر او گردد اجتناب بر دو قسم است یک قسم حفظاً لامر الله است این باید بروح و ریحان باشد نه بغلظت و شدت و قسمی دیگر از روی غلظت و آن مقبول نه .

و در خطابی از آن حضرت قوله الحنون: نظر به نقصان خلق نکنید بدیده کمال نظر نمائید هر چند ضعیف ناداناند و سست در عهد و پیمان اما شما نظر به بزرگواری کنید و خوش رفتاری نمائید عزت و احترام دارید و رعایت و خدمت کنید خود را خادم دانید جمیع خلق را مخدوم شمرد خود را ناقص گوئید و عالمیان را کامل بینید یعنی نوعی رفتار کنید که شخص ناقص احترام انسان کاملی نماید و حقیری در مقابل کبیری رفتار کند این است وصیای جمال مبارک و نصایح اسم اعظم روحی لعباده الفداء